

بررسی معنایی حروف اضافه‌ی /wæpi/ و /wægærd/ ، /wæ/ ، /læ/

در کردی بر اساس رویکرد چما

مسعود دهقان*

استادیار گروه ادبیات انگلیسی و زبان‌شناسی دانشگاه کردستان، ایران

چکیده

پژوهش حاضر قصد دارد تا با استفاده از رویکرد چندمعنایی اصول‌مند (رویکرد چما) (ایوانز و تایلر، ۲۰۰۴a، ۲۰۰۴b؛ ایوانز و گرین، ۲۰۰۶) به بررسی برخی از کاربردی‌ترین حروف اضافه کردی (گوش کله‌ری)، یعنی /wæpi/ و /wægærd/ ، /wæ/ ، /læ/ بپردازد. ماهیت روش انجام این پژوهش توصیفی-تحلیلی و نوع روش پیکره-بنیاد است. پیکره انتخاب شده از مصاحبه با سخنوران این گویش کردی به دست آمده و اصالت آن‌ها نیز کاملاً مورد تأیید است که در این بررسی، به دلیل محدودیت حجم مقاله، به ذکر نمونه‌هایی از هر مفهوم بسنده کرده‌ایم. نگارنده برای واکاوی معنای متمایز این حروف اضافه، آن‌ها را جداگانه در یک شبکه‌ی معنایی ترسیم نموده است. در این راستا، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که معنای سرنمون /læ/ «از» می‌باشد و در شبکه‌ی معنایی آن هجده معنای متمایز و پنج خوشه‌ی معنایی وجود دارد. با بررسی‌های دقیق به عمل آمده، مشخص گردید که گویشوران، حرف اضافه‌ی /wæ/ را در برخی موارد به جای /læ/ و با همان معنای در همان بافت‌ها به کار می‌برند، اما علاوه بر آن، /wæ/ در دو معنای مجزای دیگر به کار می‌رود که حرف اضافه‌ی /læ/ نمی‌تواند در آن جایگاه‌ها بیاید؛ بنابراین معنای سرنمون /wæ/ «از» می‌باشد و در شبکه‌ی معنایی آن بیست معنای مجزا وجود دارد. معنای سرنمون /wægærd/ «با» می‌باشد و در شبکه‌ی معنایی آن یازده معنای متمایز و سه خوشه‌ی معنایی وجود دارد. معنای سرنمون /wæpi/ «به» می‌باشد و در شبکه‌ی معنایی آن پنج معنای متمایز و دو خوشه‌ی معنایی وجود دارد.

واژگان کلیدی: حرف اضافه، کردی کله‌ری، معنی‌شناسی شناختی، شبکه‌ی معنایی، رویکرد چما



۱. مقدمه

پژوهش حاضر با هدف بررسی برخی از کاربردی‌ترین حروف اضافه در کردی (گویش کلهری)، یعنی حروف اضافه‌ی /wæ/ /læ/ و /wægi/ در چارچوب رویکرد چند معنایی اصول‌مند^۱ (چما^۲) و با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی انجام گرفته است که در این گویش کردی، دو حرف اضافه‌ی /wæ/ و /læ/ در برخی معانی (هجده معنای به دست آمده) به هر دو صورت و حتی در بافت‌های مختلف به جای هم مورد استفاده قرار می‌گیرند، با این تفاوت که حرف اضافه‌ی /wæ/ علاوه بر هجده معنای به دست آمده، در دو معنای مجزای دیگر به کار می‌رود که /læ/ در آن کاربردها نمی‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. رویکرد زبان-شناسی شناختی که قرار است پیکره‌ی موردنظر بر اساس آن و مفاهیم مطرح در آن، از جمله چندمعنایی حروف اضافه تحلیل گردد را می‌توان به عنوان رویکردی نوین در زبان‌شناسی به شمار آورد که ظهور و شکوفایی آن به دهه‌ی هفتاد میلادی بازمی‌گردد و بیشترین آثار در این حوزه را زبان‌شناسان غربی از جمله لانگاکر^۳ (۱۹۸۷)، لیکاف^۴ و جانسون^۵ (۱۹۸۰) و مانند این‌ها به ثبت رسانده‌اند. رویکرد شناختی در واقع به بررسی رابطه میان معنا و ارجاع آن در جهان خارج نمی‌پردازد، بلکه معنا در این انگاره یعنی مفهوم‌سازی که ماهیتی سیال و پویا دارد. ایوانز و گرین^۶ (۲۰۰۶: ۴۷-۲۷) بر این باورند که در رویکرد شناختی می‌توان به ویژگی‌هایی اشاره کرد از قبیل:

الف. در این رویکرد مقوله‌بندی عناصر زبانی از نوع سرنمون^۷ است.

ب. معنا ساختاری ذهنی تلقی می‌شود که مبتنی بر سنجش صدق و کذب نیست.

ج. معانی بر اساس ساختارهای هندسی، فضایی و ذهنی شکل می‌گیرند.

د. طرح‌واره‌های تصویری^۸ که ساختاری فضایی دارند، به‌عنوان اصلی‌ترین انگاره‌های شناختی در نظر گرفته می‌شوند.

یکی از اصول اساسی مطرح در رویکرد شناختی دیدگاه لیکاف در خصوص مفاهیم مقوله-بندی^۹ و سرنمون می‌باشد. ویتگنشتاین^{۱۰} (۱۹۵۸) با طرح شباهت‌های خانوادگی به طرح مسئله‌ی مقوله‌بندی پرداخته است. او (همان) گفته است که با نگاه کردن به یک عکس خانوادگی می‌توان دید که برخی دارای بینی هم‌شکلی هستند، اما برخی چشم‌های شبیه به هم و برخی دیگر چانه شبیه به هم دارند؛ اما نمی‌توان انتظار داشت همه‌ی افراد خانواده کاملاً شبیه هم

باشند. پس شرط وارد شدن در یک مقوله، همسانی کامل نیست و نمی‌توان انتظار داشت همه موارد کاملاً ویژگی‌های مشترک داشته باشند.

راسخ‌مهند (۱۳۸۹) در بررسی چندمعنایی به نگاه دو رویکرد غیرشناختی و شناختی اشاره کرده و بیان می‌دارد که در رویکرد غیرشناختی، چندمعنایی حاصل کاربرد واژه در بافت خاصی می‌باشد، درحالی‌که در رویکرد شناختی مفهوم چندمعنایی تعبیر دیگری دارد و آن این‌که واژه‌ای چندمعناست که اولاً دارای یک معنای اصلی و مرکزی باشد و دوم اینکه دارای معانی فرعی مرتبط با آن معنای اصلی بوده که با استفاده از سازوکارهای شناختی قابل تبیین باشند. زبان‌شناسان شناختی بر این باورند که حروف اضافه از جمله نمونه‌های حائز اهمیت در بررسی‌های چندمعنایی محسوب می‌شوند. به همین منظور، پژوهش حاضر به بررسی چند-معنایی حرف اضافه /wæ/ /læ/ و /wægærd/ و /wæpi/ در کردی کلهری پرداخته است تا بر اساس رویکرد چما که یکی از رویکردهای مطرح شده از سوی ایوانز و گرین (۲۰۰۶:۳۴۲) می‌باشد، به این پرسش اساسی پاسخ دهد که کدام یک از معانی این حروف اضافه معنای سرنمون و کدام یک، به عنوان معانی حاشیه‌ای^{۱۱}، غیرهسته‌ای و مجزای آن در نظر گرفته می‌شوند. در پایان، این پژوهش با استفاده از شبکه‌ی معنایی نشان می‌دهد که ارتباط میان معنای متفاوت این حروف اضافه به چه صورت است.

پژوهش حاضر شامل شش بخش است. بخش دوم به پیشینه پژوهش و مطالعات مرتبط با آن پرداخته است. بخش سوم به روش انجام پژوهش اشاره می‌کند. در بخش چهارم با مبانی نظری مرتبط با رویکرد چما آشنا خواهید شد. بخش پنجم به بررسی چندمعنایی حروف اضافه /wæ/ /læ/ و /wægærd/ و /wæpi/ اختصاص دارد و در بخش آخر، نتیجه‌گیری پژوهش را خواهید دید.

۲. پیشینه پژوهش و مطالعات مرتبط

باید اذعان داشت که چند سالی است پژوهش‌های ارزنده‌ای در خصوص معانی متمایز حروف اضافه و همچنین افعال در زبان فارسی از منظر رویکرد شناختی توسط پژوهشگران ایرانی به چاپ رسیده است که نگارنده در ذیل به برخی از آن‌ها که با پژوهش حاضر ارتباط دارند، اشاره کرده است.



یوسفی راد (۱۳۸۷) در رساله دکتری خود با عنوان بررسی حروف اضافه زبان فارسی در چارچوب معناشناسی شناختی با نگاه ویژه به حروف اضافه‌ی مکانی به بررسی معناشناختی حروف اضافه‌ی زبان فارسی که آن‌ها را از پایگاه داده‌های زبان فارسی (pldb) استخراج نموده پرداخته است. وی بر این باور است که معنای حروف اضافه‌ی مکانی را می‌توان بر اساس رابطه‌ی شکل و زمینه درک کرد و بیان می‌کند که کاربرد معنایی حروف اضافه‌ی زبان فارسی آن‌چنان گسترده است که بر طبق پیکره‌ی pldb، دومین، سومین و چهارمین واژه‌های پرسامد زبان فارسی؛ یعنی، حروف اضافه‌ی «در»، «به» و «از» همگی حروف اضافه‌ی مکانی هستند که تنها حرف ربط «و» بر آن‌ها پیشی گرفته است؛ بنابراین نگارنده با بررسی حروف اضافه‌ی مکانی نشان داده است که برخلاف آنچه در دستور سنتی به آن اشاره شده است، کاربرد حروف اضافه بسیار ساختمانمند است و معنای مکانی آن‌ها که همان معنای سرنمون است، به کمک سازوکارهای شناختی به‌ویژه استعاره و مجاز به معانی دیگر آن مربوط می‌شود.

یوسفی راد (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان رویکرد معناشناسی شناختی به حروف اضافه مکانی زبان فارسی از منظر آموزشی، مطالعه موردی: حرف اضافه «در»، در واقع به دنبال راهی برای پیدا کردن ارتباط معنایی میان معانی مختلف حروف اضافه مکانی بوده است تا شبکه روابط معنایی آن‌ها را ترسیم نماید. در این پژوهش به این نکته اشاره شده است که در دیدگاه سنتی و بر اساس رویکردهای غیرشناختی یک فهرست طولانی از معانی برای این حرف اضافه در نظر گرفته شده است که هیچ ارتباط معناداری بین آن‌ها وجود ندارد، درحالی‌که از منظر شناختی چنین نیست. این پژوهش روش کارآمدتر را ارائه شبکه‌ی معنایی مرتبط و مبتنی بر معنای اولیه می‌داند. در این پژوهش نشان داده شده است که رویکرد معنایی-شناختی شناختی تبیین بهتری از ساختار معنایی حروف اضافه مکانی به‌طور عام و حرف اضافه «در» به‌طور خاص ارائه می‌دهد که پژوهش حاضر این شبکه شعاعی از معانی مرتبط را در خصوص حروف اضافه‌ی /wæ/ /læ/ و /wæɡærd/ در کردی کلهری مورد تحلیل و بررسی قرار می‌دهد.

گلفام و همکاران (۱۳۸۸) در پژوهشی با عنوان بررسی حرفی اضافه (از) در چارچوب معناشناسی شناختی و مقایسه آن با رویکرد سنتی به این مهم اشاره کرده‌اند که کتب دستور

زبان فارسی، تنها به کاربرد معانی حروف اضافه پرداخته‌اند و ارتباط میان معانی را نادیده گرفته‌اند. نگارندگان روش کارآمدتری را معرفی نموده‌اند که بر اساس آن یک شبکه‌ی معنایی، مبتنی بر شباهت‌های خانوادگی به دست داده شده است که روابط مفهومی میان معانی مختلف این حرف اضافه را به خوبی نشان می‌دهد و آن‌ها بر این باورند که معانی حروف اضافه دلخواهی نیستند.

راسخ‌مهند (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان *بررسی معانی حروف اضافه‌ی مکانی فرهنگ بزرگ سخن بر اساس معنی‌شناسی شناختی* تلاش کرده است تا نحوه‌ی نگاه به معنی و نیز ثبت معانی حروف اضافه مکانی در فرهنگ فارسی سخن را از دیدگاه معنی‌شناسی شناختی به خواننده معرفی نماید. وی در این پژوهش به دو معنای متفاوت فرهنگ‌واره و دائره‌المعارفی اشاره کرده است و آن‌ها را از هم متمایز دانسته است. نگارنده در این پژوهش نشان داده است که آشنایی با رویکرد معنی‌شناسی شناختی، در پیدا کردن معانی مختلف حروف اضافه، بسیار می‌تواند راهگشا باشد.

زاهدی و همکاران (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان *شبکه معنایی حرف اضافه‌ی فارسی «از» در چهارچوب معنی‌شناسی شناختی*، به بررسی یکی از حروف اضافه پرکاربرد در زبان فارسی پرداخته و با استفاده از رویکرد شناختی و مفهوم سرنمون در این رویکرد، به شناسایی معنای اولیه یا هسته‌ای و دیگر معانی متمایز و یا غیرهسته‌ای حرف اضافه «از» در زبان فارسی تلاش کرده‌اند. نگارندگان نشان داده‌اند که مفهوم سرنمون حرف اضافه‌ی «از» به عنوان مفهوم کانونی در شبکه معنایی ترسیمی مورد نظرشان قرار گرفته و معانی متمایز منشعب از آن را نیز شناسایی نمودند.

بامشادی و همکاران (۱۳۹۵) در مقاله‌ای که در مجله‌ی جستارهای زبانی به چاپ رسیده است به بررسی معنایی سه حرف اضافه /æra/ /ta/ /wæɪ/ آن هم در گویش دیگری از زبان کردی، یعنی گویش گورانی، از دیدگاه شناختی پرداخته‌اند. آن‌ها در پژوهش خود به بررسی چندمعنایی این سه حرف اضافه از دیدگاه رویکرد چمای تایلر و ایوانز (۲۰۰۱) پرداخته‌اند. نگارندگان پژوهش با بهره‌گیری از این الگوی اصول‌مند، سعی در واکاوی معنایی این حروف اضافه در کردی گورانی داشته‌اند که بر اساس یافته‌های پژوهش نشان داده‌اند که حرف اضافه /wæɪ/ دارای نه معنای مجزا و دو خوشه معنایی، حرف اضافه /ta/ دارای چهار معنای مجزا و



/æra/ دارای چهار معنای مجزا و یک خوشه معنایی می‌باشد.

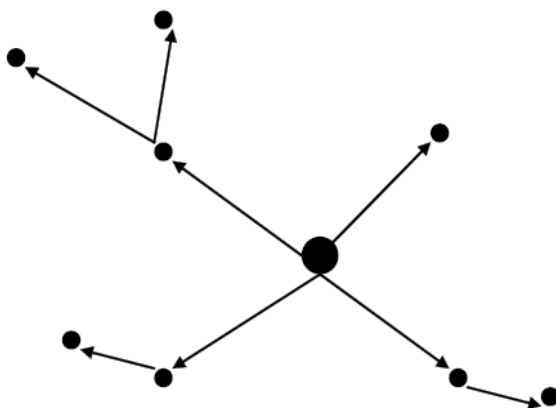
۳. روش پژوهش

ماهیت پژوهش حاضر توصیفی-تحلیلی می‌باشد و نوع آن پیکره-بنیاد، از داده‌های یکی از گویش‌های زبان کردی در غرب ایران، یعنی گویش کردی کلهری است؛ بنابراین حوزه‌ی بررسی، مطالعه‌ی چندمعنایی حروف اضافه‌ی /wæ/، /læ/ و /wægaerd/ در گویش کلهری می‌باشد که پس از بررسی‌های دقیق، نگارنده که خود گویشور این گویش نیز هست، متوجه شد که /læ/ دارای هجده معنای متفاوت و پنج خوشه معنایی می‌باشد که گویشوران آن را به جای حرف اضافه‌ی /wæ/ با همان معانی در بافت‌های مختلف به کار می‌برند، با این تفاوت که حرف اضافه‌ی /wæ/ در دو معنای مجزای دیگر نیز به کار می‌رود. همچنین حرف اضافه‌ی /wægaerd/ دارای یازده معنای متمایز و سه خوشه‌ی معنایی و /wæpi/ دارای پنج معنای مجزا و دو خوشه‌ی معنایی می‌باشد. داده‌ها بر اساس دانش زبانی نگارنده که خود گویشور بومی کلهری است و نیز از طریق مصاحبه با سخنوران این گویش جمع‌آوری شده و اصالت آن‌ها نیز مورد تایید گویشوران اصیل این گویش قرار گرفته است که پژوهش حاضر با ابزارهای مطرح در رویکرد شناختی و بر اساس رویکرد چما (ایوانز و تایلر، ۲۰۰۴a، ۲۰۰۴b؛ ایوانز و گرین، ۲۰۰۶) به توصیف و تحلیل آن‌ها پرداخته است. شایان ذکر است که برای هر مفهوم و معنایی که از این حروف اضافه به دست آمد؛ مثال‌ها و نمونه‌های فراوانی وجود دارد، اما به دلیل محدودیت حجم مقاله، تنها به ذکر نمونه‌هایی از هر مفهوم بسنده می‌کنیم.

۴. مبانی نظری پژوهش

در معنی‌شناسی شناختی می‌توان از مفاهیمی نام برد که در تمامی نظریه‌های این رویکرد ثابت‌اند و از اصول بنیادی آن‌ها به شمار می‌روند. رویکرد چما یکی از مفاهیم مطرح‌شده در معنی‌شناسی شناختی می‌باشد که چارچوب نظری پژوهش حاضر را به خود اختصاص می‌دهد و دو هدف اساسی را دنبال می‌کند (ایوانز و گرین، ۲۰۰۶): یکی این‌که مفهوم اصلی از میان مفاهیم مختلف در یک طبقه را مشخص و شناسایی می‌نماید و بین مفاهیم و معانی ذخیره شده در ذهن و مفاهیم و معانی بر گرفته از بافت، تفاوت می‌نهد. به این معنا که اگر واژه‌ای در بافتی یک

معنای خاص داشته باشد که فقط در آن بافت به ذهن متبادر شود، نمی‌توان آن مفهوم را مفهوم اصلی و متمایز از دیگر معانی در نظر گرفت، برای این‌که در واژگان ذهن ذخیره نشده است، بلکه در بافت خاصی آن معنا به ذهن آمده است و صرفاً در یک بافت خاص در جهان خارج آن معنا درک شده است. دوم این‌که مفهوم و معنای مرکزی و درواقع سرنمون با یک مقوله شعاعی خاص مشخص می‌گردد. مقوله‌ی شعاعی مقوله‌ای مفهومی است که در آن چند مفهوم در ارتباط با یک مفهوم مرکزی سازمان‌بندی شده‌اند. نمودار ذیل تصویری انتزاعی از نحوه‌ی ارتباط معانی مختلف واژه در دیدگاه مقولات شعاعی را نشان می‌دهد (همان، ۲۰۰۶: ۳۴۲).



شکل ۱. طرح انتزاعی مقوله‌های شعاعی (ایوانز و گرین، ۲۰۰۶: ۲۷۶)

نکته‌ای که حائز اهمیت می‌نماید آن است که نموداری همچون نمودار فوق، به معنای ساختن معانی جدید برای واژه‌ها نیست، بلکه درواقع نشان از ارتباطی است که می‌توان میان معانی مختلف یک واژه در نظر گرفت.

برای آشنایی بیشتر با رویکرد چما باید دو مفهوم شیء متحرک^{۱۲} و زمینه ثابت^{۱۳} را به‌خوبی شناخت. تایلر و ایوانز (۲۰۰۳) معتقدند که در چارچوب تحلیل معنایی حروف اضافه و تشخیص مفهوم سرنمون دو نکته حائز اهمیت است: یکی درواقع همان رابطه‌ی مکانی-فضایی است که شیء متحرک و زمینه ثابت را به هم مرتبط می‌کند و دیگری جنبه کاربردی آن است که شیء متحرک و زمینه ثابت را نشان می‌دهد. هر حرف اضافه، رابطه‌ای فضایی بین این دو نقطه



است که تصور می‌شود منظری مکانی- فضایی را نشان می‌دهد. در واقع حروف اضافه به‌عنوان واژه‌هایی در جمله به کار می‌روند که رابطه‌ی میان شیء متحرک و زمینه ثابت را در جمله نشان می‌دهند. به عبارتی، بر این اساس در جمله‌ای مانند «لکه روی لباس افتاد»، می‌توان جایگاه و موقعیت «لکه» را در مقابل «لباس» این‌گونه آشکار ساخت که در آن روابط فضایی میان دو موضوع^{۱۴} TR «لکه» و LM «لباس» متفاوت است. «لکه» همان شیء متحرک و «لباس» زمینه ثابت می‌باشد که یکی در کانون توجه قرار داشته و برجسته‌تر از دیگری خود را می‌نمایاند. به باور لانگاکر (۲۰۰۸: ۷۱) این برجستگی یکی از دو عنصر نسبت به دیگری در واقع زمانی نمایان می‌شود که رابطه آن دو عنصر در بافت مشخص گردد.

۴.۱. روش پیشنهادی تایلر و ایوانز (۲۰۰۳: ۴۶) برای شناسایی معناهای متفاوت و معنای هسته‌ای حروف اضافه

تایلر و ایوانز (۲۰۰۳) برای شناسایی معنای هسته‌ای و مرکزی واژه‌ها پنج معیار اساسی را معرفی می‌کنند که در ذیل به آن‌ها خواهیم پرداخت.

الف. معنای سرنمون (هسته‌ای یا مرکزی) که به‌عنوان اولین معنای واژه در نظر گرفته می‌شود.

ب. برتری معنایی در شبکه

ج. استفاده در ساخت‌های ترکیبی

د. ارتباط آن با دیگر حروف اضافه‌ی فضایی- مکانی

ه. پیش‌بینی دستوری

ایوانز و تایلر (۲۰۰۴) بر این باورند که علاوه بر ترکیب شیء متحرک و زمینه ثابت باهم آنچه در اینجا حائز اهمیت است، مفهوم انگیزش^{۱۵} است که به‌وسیله‌ی یک حرف اضافه، یک «عامل کاربردی» را نیز در برمی‌گیرد. برای مثال، در حرف اضافه انگلیسی /in/ ترکیب، مکانی- فضایی، در برگرفتن نقطه عبور را به‌وسیله‌ی نقطه ارجاع نشان می‌دهد (تالمی، ۲۰۰۰)، اما «عامل کاربردی» مفهوم حجم را در برمی‌گیرد.

۴.۲. رویکرد پیشنهادی ایوانز و گرین (۲۰۰۶: ۳۴۵) برای شناسایی مفاهیم مختلف و هسته‌ای حروف اضافه

ایوانز برای شناسایی معنای مجزای حرف اضافه «OVER» دو معیار اساسی را معرفی می‌کند: نخست این‌که چنانچه در معنای این حرف اضافه مفهوم اضافی نهفته باشد که در دیگر معنای آن مشخص نباشد، یک معنا به عنوان معنای متفاوت در نظر آورده می‌شود. این معنای متفاوت باید معنای غیر مکانی را همراه با دو مفهوم شیء متحرک و زمینه ثابت در خود داشته باشد (تایلر و ایوانز، ۲۰۰۳). دوم این‌که معنای متفاوت باید مستقل از بافت باشد.

بنابراین رویکرد معناساختی پژوهش حاضر، رویکرد چمای موردنظر ایوانز و گرین (۲۰۰۶) می‌باشد. از این منظر، هر حرف اضافه‌ای در یک شبکه روابط فضایی، همواره یک کمال مطلوب ذهنی-انتزاعی را برمی‌انگیزد که به عنوان مفهوم مرکزی و سرنمون شبکه‌ی معنایی آن حرف اضافه در نظر آورده می‌شود.

پژوهش حاضر، مفید بودن رویکرد شناختی را در بررسی چندمعنایی حروف اضافه با تحلیل چندمعنایی حروف اضافه‌ی /wæ/، /læ/، /wægd/ و /wæpi/ در گویش کلهری نشان می‌دهد. بررسی این حروف نشان می‌دهد که چگونه معنای آن‌ها از حوزه‌ی فیزیکی-فضایی به حوزه‌ی انتزاعی-استعاری گسترش می‌یابد.

ایوانز و گرین (۲۰۰۶) معیارهای موردنظر تایلر و ایوانز (۲۰۰۴) را به گونه‌ای دیگر مطرح نموده‌اند. به باور ایوانز و گرین (همان: ۶) در تعیین مفهوم اولیه، چهار معیار اساسی وجود دارد که عبارت‌اند از:

الف. اولین معنای تعیین شده

ب. برتری معنایی در شبکه

ج. ارتباط معنایی با دیگر حروف اضافه

د. سهولت پیش‌بینی در گسترده‌ی معنا

بر اساس معیارهای بالا، تعیین معنای اولیه به راحتی امکان‌پذیر است.

۵. بررسی چندمعنایی حروف اضافه‌ی /wægd/، /læ/، /wæ/ و -/

/wæpi/ در کردی کلهری

در این پژوهش، اهمیت زبان‌شناسی شناختی را با بررسی چندمعنایی حروف اضافه‌ی /læ/، /wægd/، /wæpi/ و /wægd/ در کردی کلهری به وضوح می‌توان مشاهده نمود که با استفاده



از رویکرد چما، می‌توان نداشت معنایی یک حوزه‌ی فیزیکی را به یک حوزه‌ی انتزاعی نشان داد. به عبارتی، هدف از ارائه‌ی این الگوی اصول‌مند آن بود تا بر اساس آن بتوان ماهیت انتزاعی این حوزه، یعنی چندمعنایی واژگان را تبیین کرد. به منظور بررسی چندمعنایی این حروف اضافه در کردی کلهری که معانی و کاربردهای گوناگونی را دارا هستند، ابتدا تک‌تک معانی آن‌ها را برای شما خوانندگان واکاوی می‌کنیم، سپس شبکه‌ی معنایی آن‌ها را با استفاده از الگوی چما ترسیم می‌نماییم که بررسی آن‌ها ممکن است شما را در درک معانی مختلف آن‌ها یاری نماید.

شایان ذکر است که در بخش ۱.۵ به هجده معنای مجزای /læ/ و /wæ/ که یکدیگر را هم‌پوشانی می‌کنند خواهیم پرداخت و سپس در بخش ۲.۵ به دو معنای مجزای دیگر اشاره خواهیم کرد که مختص حرف اضافه‌ی /wæ/ می‌باشد و در واقع حرف اضافه‌ی /wæ/ را از /læ/ متمایز می‌کند.

۱.۵. معنای مجزای حروف اضافه‌ی /læ/ و /wæ/

۱. معنای سرنمون

معنای «از» اولین معنا و مفهومی به شمار می‌رود که از حروف اضافه‌ی /læ/ و /wæ/ به ذهن می‌آید و در واقع همان سرنمون یا معنای هسته‌ای این دو حرف اضافه به حساب می‌آید. شایان ذکر است که در مثال‌های داده شده‌ی زیر تنها از /læ/ به جای این دو حرف اضافه که در این بافت‌ها کاربرد و معنای یکسانی دارند استفاده شده است؛ بنابراین در نمونه‌های داده شده‌ی زیر می‌توان به جای /læ/ از حرف اضافه‌ی /wæ/ استفاده کرد، اما در بخش ۲.۵ به دو معنای مجزای دیگر اشاره خواهیم کرد که مختص حرف اضافه‌ی /wæ/ می‌باشد و در واقع حرف اضافه‌ی /wæ/ را از /læ/ متمایز می‌کند. همین‌طور است در مورد نمونه مثال‌های ذکر شده در کاربردهای دیگر این حروف و معانی متفاوت آن‌ها که در زیر آمده است.

۱. الف. مفهوم «از»

مفهوم و معنای اولیه‌ای که از حرف اضافه‌ی /læ/ ابتدا به ذهن گویشور کردزبان متبادر می‌کند، در واقع معنای «از» می‌باشد که در بافت‌های دیگر، معانی مختلفی دارد که در ذیل به آن‌ها خواهیم پرداخت؛ بنابراین مفهوم «از» معنای هسته‌ای و در واقع سرنمون و نخستین معنای

حرف اضافه‌ی /læ/ و /wæ/ می‌باشد. نمونه‌های زیر مؤید این مطلب هستند.

1. læ hale dæləm to xæwær næjri.
 ?æz hale deləm to xæbær nædari

«تو/ز حال دلم خیر نداری.»

2. læ forsæt ?estefadæ kerdəm, mæqalæj-g nū:s-am.
 ?æz forsæt ?estefade kærdəm, mæqale-h-ee nevešt-əm

«از فرصت استفاده کردم، مقاله‌ای نوشتم.»

3. mæn læ to læ del ʃerd-əm.
 mæn ?æz to be del gereft-əm

«من/ز تو به دل گرفتم»

4. mənɔlæ-gan-əm læ del-o- ʃijan du:s di:rəm.
 bæče-ha-j-əm ?æz del o dʒan du:st darəm

«بچه‌هایم را از دل و جان (خیلی) دوست دارم.»

۲. خوشه‌ی قیاس^{۱۶}

«قیاس» خوشه‌ای معنایی می‌باشد که دارای سه معنا و مفهوم مجزاست. در این خوشه معنایی، حرف اضافه /læ/ نشانگر رابطه‌ی تقابل میان دو چیز یا دو شخص که یکی در واقع همان شیء متحرک و دیگری زمینه ثابت می‌باشد. در این رابطه آن دو باهم مورد مقایسه قرار می‌گیرند؛ مانند معانی مجزای /læ/ که گویشوران، آن را در کاربردهای متفاوتی که در ذیل در کردی کلهری آمده است به کار می‌برند. معانی مجزای ذیل گویای کاربردهای مختلف معنایی این حرف اضافه است.

۲.الف. مفهوم مقایسه‌ای

در اینجا حرف اضافه /læ/ چیزی یا شخصی را با دیگری مورد ارزیابی و سنجش قرار می‌دهد. به عبارتی، شیء متحرک در یک ویژگی خاصی با زمینه ثابت ارزیابی و سنجیده می‌شود.

5. læ li: nijæ.
 mesle ?u: nist

«بی‌نظیر است.»

6. læ wi:næj nijæ.
 hæmtæe bæra-j-æš nist.

«همتایی برایش نیست»



۲. ب. مفهوم معاوضه‌ای

در این معنای مورد استفاده از /læ/ می‌توان گفت که این حرف اضافه در کردی کلهری، مفهوم جانشینی را با خود حمل می‌کند و چیزی یا کسی را به جای چیز یا کس دیگری جایگزین می‌کند.

7. læ dʒi: dærs xwæni:n, čijæsæ bazi kerdæn.
 ʔæwæze dærs xandæn, ræfte bazi kærdæn

«عوض درس خواندن، رفته بازیگوشی».

8. læ to bu: mɛ bečmæ ʃɛʒ-ya!
 dʒa-j-e to baš æm bahaš bedʒæŋ-ʃæm

«تو میخوای باهاش بجنگم، اما من که جای تو نیستم».

9. læ dʒi: mɛn bʊ:d, čæ kei?
 dʒa-j-e mæn baši, čekar mikoni?

«جای من باشی چکار می‌کنی؟».

۲. ج. مفهوم مقابله‌ای

در این مفهوم، برای حرف اضافه /læ/ در کلهری معنا و مفهوم «در برابر» و «در مقابل» رمزگذاری شده است.

10. læ mænɑ to či:dæ.
 fekr kærd-æm to ræfte-h-ee

«من فکر کردم که تو رفته‌ای، (اما نرفته بودی)».

11. læ xwæmɑ to nan sænidæ.
 fekr kærd-æm to nan xaridi.

«من فکر کردم که تو نان خریده‌ای، (اما نخریده بودی)».

۳. خوشه‌ی با هم‌آیی^{۱۷}

حرف اضافه /læ/ در کاربردهای مختلف، معنای «با هم‌آیی» را برای گوینده و شنونده تداعی می‌کند که نوعی همراهی و ارتباط را بین شیء متحرک و زمینه ثابت نشان می‌دهد؛ بنابراین این حرف اضافه در واقع مفهومی را می‌رساند که با مفهوم «باهم» بودن در ارتباط است و در خوشه معنایی «باهم‌آیی» قرار می‌گیرد.

۳. الف. مفهوم به دنبال، در پی

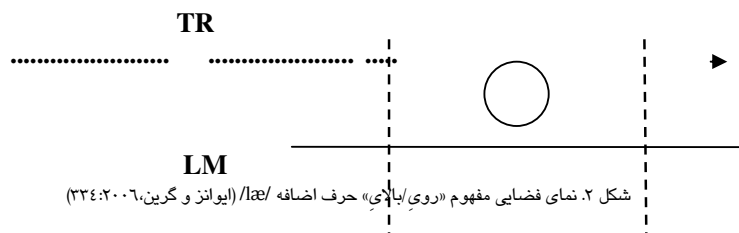
اولین معنایی که در خوشه‌ی «با هم آیی» در مورد این حرف اضافه در کردی کلهری مورد استفاده‌ی گویشوران قرار می‌گیرد، معنای «به دنبال/در پی» می‌باشد، در واقع نشانگر نوعی «ارتباط» و «باهم بودن» می‌باشد که در کاربردهای مختلف آن موردنظر است؛ مانند نمونه‌ی زیر:

12. læ šu:n-e ʔæwæ donja-m ʔaxeræ.
bæʔd ʔæz ʔu: donja bærajæm be ʔaxær reside

«بعد/ز او دیگر دنیا برایم به آخر رسیده است»

۳. ب. مفهوم روی، بالای

مفهوم «روی/بالای» از دیگر مفاهیم این حرف اضافه به حساب می‌رود. نمای فضایی که حرف اضافه /læ/ در این مفهوم از خود نشان می‌دهد، شیء متحرک روی زمینه ثابت قرار دارد که در شکل زیر نمایش داده شده است.



13. mixi læ sæqf-æw ʔawizan -æ.
mixi ru:-j-e saqf ʔavizan ʔæst

«میخی روی سقف آویزان است»

14. čænæ bi:sətu:n qæm læ ku:ləm -æ
be ʔændaza-j-e bisetu:n qæm ru:-j-e ku:læm ʔæst

«به اندازه کوه بیستون، غم روی دوشم دارم»

15. mixi læ diwar kot-ya-s.
mixi ru:-j-e diwar zadeh šodeh ʔæst

«میخی روی دیوار زده شده»

۳. ج. مفهوم همراهی

حرف اضافه /læ/ در معنا و مفهوم «همراهی» نیز به کار می‌رود که به گونه‌ای معنای «با»؛



یعنی، «همراه بودن» از آن استناد می‌شود.

16. læ ʃærd -mə hat.
hamrah-e mæn ʔamæd

«همراه من آمد».

17. læ ʃærd jækə či:mæn.
hæmrah-e hæm ræftim

«همراه باهم رفتیم».

۴. خوشه‌ی چندمعنایی^{۱۸}

حرف اضافه /læ/ در مفهوم و معنای دیگر حروف اضافه، به‌غیر از حرف اضافه «از»، هم به کار می‌رود که کاربرد آن‌ها را می‌توان در مفاهیم مجزای آن در جمله‌های ذیل مشاهده نمود.

۴. الف. معنای حرف اضافه «به»

حرف اضافه /læ/ در معنای حرف اضافه «به» هم به کار می‌رود. نمونه‌هایی که در ذیل آمده گویای آن است.

18. læ fækr -əm bu:
be fekr -æm baš

«به فکر من باش».

19. mæn læ to læ dæl ʃærdəm.
mæn ʔæz to be dæl gereftəm

«من از تو به دل گرفتم».

۴. ب. معنای حرف اضافه «در»

گویشوران کردی کلهری از حرف اضافه /læ/ در معنای حرف اضافه «در» هم مانند نمونه‌های زیر استفاده می‌کنند.

20. læ ʔi: malæ mɛ di: dʒi: næjrəm.
dær ʔin xane mæn diʃær dʒæe nædarəm

«من در این خانه دیگر جایی ندارم».

21. mæn ʔadæt di:rəm læ ʔi: otaq-æ dærs bɛxwænəm.
mæn ʔadæt darəm dær ʔin otaq dærs bɛxanəm

«عادت دارم در این اتاق درس بخوانم».

22. **læ** ?i: zəu-wæ, mən bæʃI-g næjrəm.
dær ?in zæmin mæn səhmi nædaræm

«من سهمی سر این زمین ندارم.»

۵. خوشه‌ی مکان-زمان

۵. الف. مفهوم آغاز

23. **læ** ?æw ru:ž-æ kə dimæ -t, del pæʃiwem.
?æz ?an ru:zi kə didæm to ra, del neʃæranæm

«از آن روزی که تو را دیدم حال خوبی ندارم.»

24. **læ** ?æw ru:ž-æ ta ?ælan ru:ž-e xwæʃ næjm-æ.
?æz ?an ru:z ta hala ru:z-e xoʃi nædide-h-æm

«از آن روز تا حالا روز خوش به چشم ندیدم.»

25. **læ** ?i:ra ta taq-o-san ri: dæ:ri-ʃ -æ.
?æz ?indza ta taq-e bostan rah derazi ?æst

«از اینجا تا طاق بستان راه درازی است.»

در مثال ۲۳ و ۲۴ بالا، /læ/ نشانه‌ی ابتدای زمان است، اما در مثال ۲۵، نگاشت مورد نظر از حوزه‌ی زمان به حوزه‌ی مکان انتقال می‌یابد.

۵. ب. مفهوم در طول مدت

یکی از مفاهیم حروف اضافه‌ی /læ/ و /wæ/ نشان دادن «بازه‌ی زمانی»، یعنی مدت‌زمان می‌باشد که مثال‌های زیر این مفهوم را به‌خوبی تأیید می‌کنند.

26. **læ** šæw o ru:ž kærəm zarij -æ.
tæmame šæb o ru:z kærəm zari kærðæn ?æst

«تمام شبانه‌روز کارم زاری کردن است.»

27. **læ** zendæʃ-im læj-wa næjmæ.
tæmame zendeʃ-im ?indzu:ri nædide-h-æm

«در طول مدت عمرم اینجوریشو ندیده‌ام.»



۶. خوشه‌ی استعاری^{۱۹}

حرف اضافه /læ/ مفهومی را می‌رساند که از حوزه عینیت خارج است و با حوزه‌های انتزاعی ارتباط دارد، بنابراین گویشوران این حرف اضافه را در کردی کله‌ری در خوشه‌ی استعاری شبکه‌های معنایی به کار می‌برند.

۶ الف. مفهوم علت، سبب

در برخی بافت‌ها همچون مثال‌هایی که در زیر آمده است، از این حروف اضافه، معنا و مفهوم «سببیت» را می‌توان برداشت کرد که علت انجام کار یا عملی را نشان می‌دهد

28. læ dæ:ri: t næmæn-jæ dʒæsæm.
 bexatere du:ri: to næmande dʒesmæm (ʔæz bæjn ræfte-h-æm)
 «به خاطر دوریت از بین رفته‌ام».

29. læ sær ʔæw karæ, wægærði: qæhr-æm.
 bexatere ʔan kar, bahaš qæhr-æm

«به خاطر آن موضوع باهاش حرف نمی‌زنم».

30. læ sær ʔæw dʒærjan-æ mæ narahætæm.
 bexatere ʔan mowzu? mæn narahætæm

«به خاطر آن موضوع ناراحتم».

۶ ب. مفهوم شدت و اندازه

همان‌گونه که در مثال‌های زیر نشان داده شده است، حروف اضافه‌ی /læ/ و /wæ/ در مفهومی برای «بیان اندازه و یا مقداری از چیزی» نیز به کار می‌روند.

31. læ bæš særæm šolu:q -æ, naw xwæm læ jad-æm čijæ.
 be hædi særæm šoluq ʔæst, name xodæm ra ʔæz jad bord-æm
 «به حدی سرم شلوغی که اسم خودم رو هم فراموش کردم»

32. læ xwæšhali: dæs læ pa nænasI.
 ʔæz šedæte xošhali dæst o pa ra ʔæz hæm nemišenaxt (ʔæz xod bi xod šodæn)
 «از شدت خوشحالی از خود بیخود شده بود».

۶ ج. مفهوم استواری، مقاومت

حروف اضافه‌ی /læ/ و /wæ/ در کنار کلمه‌ی «پا» که نشان از استقامت و استواری و نیز

ثبات دارد، در مفهوم استعاری مقاومت و استواری به کاررفته است؛ بنابراین مشاهده می‌شود که نگاشت موردنظر از حوزه‌ی عینیت به حوزه‌ی انتزاع انتقال یافته است و مفهومی استعاری از این حروف اضافه به دست داده است.

33. læ šu:n dʒæŋ, ?i: šaræ læ xasi ha læ pawæ
bæʔd ʔæz dʒæŋ, ?in šæhr be xater-e rasti-j-æš ʔ ast pabærdʒ.

«بعد از جنگ، این شهر به خاطر راستی‌اش همچنان پایرجاست».

۶. د. مفهوم درباره‌ی، راجع به در خصوص

حروف اضافه‌ی /læ/ و /wæ/ در معنا و مفهوم «درباره‌ی» و امثال آن نیز در بافت به کار می‌روند. در مثال زیر، این حرف اضافه با همین معنای موردنظر به کاررفته است.

34. læ xwæd bæ:š ʔæraman.

«در مورد خودت برایمان بگو».

dær mowredə xodet begu bærajeman

۶. ه. مفهوم اجبار

این حرف اضافه در معنای «اجبار» برای انجام کاری نیز به کار می‌رود که مثال داده‌شده در زیر مؤید این مطلب است.

35. læ nalandʒi: či:-m-æ karʒæri.
mædʒbur šodæm ræf-t-æm karʒæri

«مجبور شدم که برم کارگری کنم».

۶. و. مفهوم طرفداری

معنا و مفهوم دیگری که از حرف اضافه /læ/ برداشت می‌شود، معنای استعاری آن می‌باشد که البته با حوزه انتزاعی در ارتباط است و از حوزه عینیت خارج می‌شود.

36. du:sæjl-em læ særæm dæratən.
du:stan-æm tæræfdari ʔæzæm kærdæn

«دوستانم از من طرفداری کردند»

۶. ز. مفهوم از بابت، از جهت

حرف اضافه /læ/ مفهوم «از بابت» را رمزگذاری کرده و در واقع وارد حوزه «انتزاع» شده است.

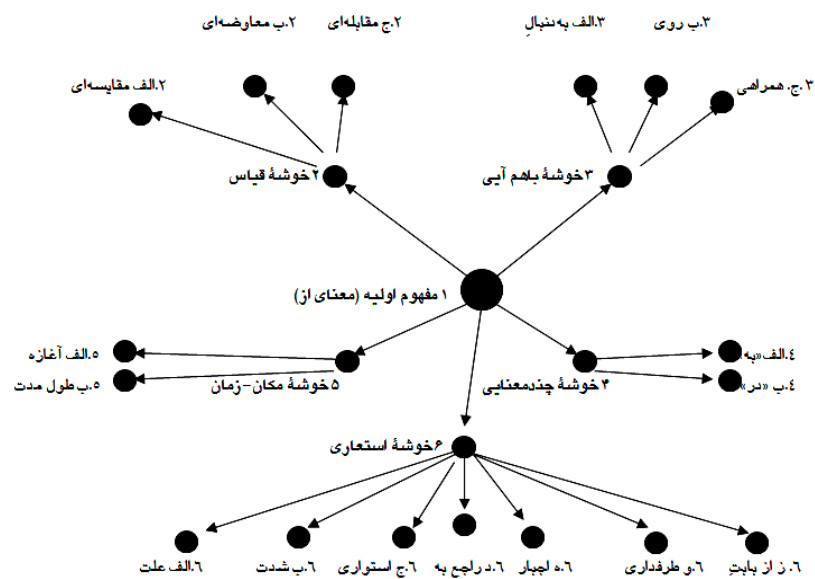
37. næ læ menal šans di:rem næ læ šu:
næ ʔæz babatə bæče šans daræm næ ʔæz babæte hæmsær



«نه از بابت بچه شانس دارم و نه از بابت شوهر».

۱.۱.۵. شبکه معنایی معنای مختلف حروف اضافه‌ی /wæ/ و /læ/

همان‌گونه که نشان داده شد، حروف اضافه‌ی /læ/ و /wæ/ در هجده معنا و مفهوم متفاوت در بافت‌های مختلف به کار می‌روند که از بین آن‌ها معنای «از» معنای اولیه و بقیه‌ی معنای در پنج خوشه‌ی معنایی که نمودار آن در ذیل نیز آمده است به کار رفته‌اند.



شکل ۳. شبکه معنایی حرف اضافه /wæ/ و /læ/ در کردی (گوش کله‌ری)

۲.۵. معنای مجزای حرف اضافه‌ی /wæ/

علاوه بر کاربردهای معنایی که برای /wæ/ در بالا ذکر شد، /wæ/ در دو معنای متفاوت دیگر نیز به کار می‌رود که نمی‌توان از /læ/ به جای آن استفاده کرد. بنابراین در نمونه‌هایی که در ذیل برای این دو معنای مجزا ذکر شده‌اند تنها از حرف اضافه‌ی /wæ/ می‌توان استفاده کرد.

الف. مفهوم «به‌وسیله‌ی»

علاوه بر هجده معنایی که در بالا ذکر شد، معنای دیگری که گویشوران در بافت‌های مختلف از حرف اضافه‌ی /wæ/ به کار می‌برند، معنای «با استفاده از /به‌وسیله‌ی» می‌باشد که گویشوران پیش از نام ابزار یا وسیله‌ای که با آن کاری انجام می‌شود به کار می‌برند. مثال‌های زیر این ادعا را تأیید می‌کنند.

38. wæ	xodkar	benu:s.
bevasilæjə	xodkar	benevis

«بوسیله‌ی خودکار بنویس»

39. wæ	hæwapəjma	činə	Tehran.
bevasilæjə	hævapəjma	ræftand	Tehran

«به‌وسیله‌ی هواپیما به تهران رفتند»

40. wæ	liwan	ʔaw	bexowæ-n.
bevæsilæjə	liwan	ʔab	bexorid

«به‌وسیله‌ی لیوان آب بخورید»

ب. مفهوم حرف اضافه‌ی «به»

/wæ/ در معنا و مفهوم حرف اضافه‌ی «به» نیز به کار می‌رود که اگرچه /læ/ هم به این معنا نیز به کار می‌رود، اما در این کاربرد نمی‌توان از حرف اضافه‌ی /læ/ استفاده کرد. نمونه‌های زیر تأییدی بر این ادعا می‌باشند.

41. ʔæwan	wæ	mən	ræʔj	dan.
ʔanha	be	mæn	ræʔj	dadænd

«آن‌ها به من رأی دادند»

42. wæ	xater	xoda!
be	xater-e	xoda!

«به خاطر خدا!»

43. wæ	xater	mən.
be	xater-e	mæn

«به خاطر من»

همچنین در کلمات مرکب "دست‌به‌دست"، "سریه‌سر" و امثال آن به جای حرف اضافه‌ی "به" در کردی کلهری از حرف اضافه‌ی /wæ/ استفاده می‌شود که البته در این جایگاه نیز /læ/



نمی‌تواند به کار رود.

sær wæ sær / dæs wæ dæs

همچنین قبل از نام‌هایی که ما به آن‌ها قسم می‌خوریم تنها از /wæ/ استفاده می‌شود. نمونه‌های زیر تأییدی بر این ادعا می‌باشند.

44. wæ xoda!
be xoda!

«به خدا قسم»

45. wæ pæjqæmær!
be pæjqæmær

«به پیغمبر قسم»

46. wæ fjan menalæ-g -anem.
be dʒan-e bačcha-j -æm

«به جان بچه‌هایم قسم»

47. wæ fjan daleg -æm.
be dʒan-e madær -æm

«به جان مادرم قسم»

۳.۵. معنای مجزای حرف اضافه‌ی /wægærd/

حرف اضافه‌ی /wægærd/ یکی از حروف اضافه‌ی مورد استفاده در گویش کردی کلهری می‌باشد که گویشوران در بافت‌های مختلف آن را با معنای متفاوت و مرتبط باهم به کار می‌برند. به منظور بررسی چندمعنایی این حرف اضافه، در ذیل به تحلیل و واکاوی همه‌ی معناهای متفاوتی که گویشوران در بافت‌های مختلف از آن برداشت می‌کنند می‌پردازیم.

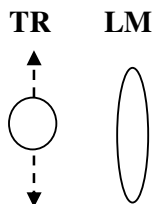
الف. معنای سرنمون

۱. الف. مفهوم «با»

اولین معنا و مفهومی که از حرف اضافه‌ی /wægærd/ به ذهن گویشور متبادر می‌شود، معنای «با» و «کنار کسی یا چیزی بودن» است. در این معنا، این حرف اضافه حالتی را نشان می‌دهد که در آن دو عنصر شیء متحرک و زمینه ثابت در کنار هم قرار دارند. در شکل ۴ نمای فضایی-مکانی این حرف اضافه نشان داده شده است.

TR

LM



شکل ۴. نمای فضایی-مکانی حرف اضافه‌ی /wægærd/ در کردی (گوش کله‌ری) (بامشادی و همکاران، ۱۳۹۵: ۶۵)

مثال‌های زیر مؤید آن است که این حرف اضافه در مفهوم و معنای اولیه‌ی «با» به کار برده می‌شود.

48. wægærd ?i: halæ to diri, ?æw kar-æ neyæker-jaj.
ba ?in hali to dari, ?an kar ?ændžam nemiše

«با این حالی که تو داری، نمی‌توانی آن کار را انجام بدهی.»

49. wægærd ?i: ?æwza?i: ke piš hawerdi-dæ.
ba ?in ?æwzae ke piš ?aværdi

«با این اوضاعی که پیش آوردی.»

50. wægærd deləm čæb kæm!
ba deləm če kar konæm!

«با دلم چکار کنم!»

51. wægærd ton-a čæb kæm!
ba šoma če kar konæm!

«با شما چکار کنم!»

52. wægærd zendæg-im-a čæb kæm!
ba zendegi-j-æm če kar konæm!

«با زندگی‌ام چکار کنم!»

53. wægærd -jana bu:š.
ba ?anha sohbæt kon



«با آن‌ها صحبت کن.»

54. wægærd -a kari-g neyrəm.
ba šoma kari nædarəm

«با شما کاری ندارم.»

۲. خوشه‌ی باهم آبی

مفاهیم «کمک و همکاری»، «ارتباط» و «وسیله و ابزار»، هر سه مفاهیمی هستند که از معنای حرف اضافه‌ی /wægærd/ در بافت‌های مختلف برداشت می‌شود. مفهوم «با هم آبی» که خود مؤید این سه مفهوم می‌باشد، به‌گونه‌ای نشانه‌ی نوعی نزدیکی و کنار هم بودن است که در مثال‌های داده‌شده‌ی زیر برای هرکدام از این مفاهیم مشاهده می‌شود.

۲. الف. مفهوم کمک و همکاری

معنای دیگری که از حرف اضافه‌ی /wægærd/ در بافت‌های مختلف به دست می‌آید، معنا و مفهوم «کمک و همکاری» می‌باشد که مثال‌های زیر به‌خوبی مؤید آن است.

55. wægærd baw-gem-a qærz-æ-gan-em damow.
ba komak-e pedærəm qærz-ha-j-æm ra pæs dadəm

«با کمک پدرم قرض‌هایم را پس دادم.»

56. wægærd jæk-a mal-æ-gæ kiša-jm.
ba komak-e hamdiJær xaneh- ra kešidi-m

«با کمک هم‌خانه را کشیدیم.»

۲. ب. مفهوم ارتباط

این حرف اضافه در مفهومی که «ارتباط» نیز به کار می‌رود که نوعی «رابطه‌ی سببی و نسبی» را نشان می‌دهد. این مفهوم در مثال‌های زیر به‌خوبی مشاهده می‌شود.

57. ?æli-o ?æsæl wægærd jæk-a bera -w- xwæjš-k-æn.
?æli-o ?æsæl ba hæm bæradær -o- xahær
hæstæn

«علی و عسل باهم برادر و خواهرند.»

58. Jæwad wægærd Reza qesæ nejækæ-j.
Jævad ba Reza hærf nemizane

«جواد با رضا حرف نمی‌زند.»

۲. ج. مفهوم وسیله و ابزار

گویشورانِ کلهر /wægærd/ را در معنا و مفهوم «وسیله و ابزار» نیز به کار می‌برند. مثال-های زیر گویای آن است.

59. wægærd	tænab	ʔæsba-wæ-gan	berdim-næ	ban.
bevæsilæ-j-e	tænab	ʔæsbab-ha ra	bordim	bala

«به وسیله‌ی طناب اسباب را بالا بردیم.»

60. qofl-e	dæræ-gan	wægærd	kelil	wa	kerdim.
qofl-e	dær-ha ra	bevæsilæ-j-e	kelid	baz	kærdim

«به وسیله‌ی کلید قفل درها را باز کردیم.»

61. wægærd	čæ	či:d-æ	danešgah?
bevæsilæ-j-e	če	ræfti	danešgah?

«با چه وسیله‌ای دانشگاه میری؟»

62. wægærd	mixi-g	diwar -ægæ	kona	kerd.
bevæsilæje	mixi	divar ra	surax	kærd

«به وسیله‌ی میخی دیوار را سوراخ کرد.»

۲. د. مفهوم همراهی کردن

حرف اضافه‌ی /wægærd/ در معنا و مفهوم «همراهی کردن کسی» نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد تا در این مفهوم نوعی با هم‌آبی را میان TR و LM نشان دهد. این تداعی رابطه میان شیء متحرک و زمینه ثابت، همراهی آن‌ها را به خوبی باهم نشان می‌دهد. مثال‌های زیر دلیل محکمی برای این ادعا است.

از /wægærd/ در جملات زیر، معنای «همراهی» استنباط می‌شود.

63. wægærd-e	ki-ja	či:d	-æra	šomal?
hæmrahe	če kæsi	ræfti	be	šomal

«همراه چه کسی به شمال رفتی؟»

64. mɛm	wægærd	reza-ja	čɛm	-æra	šomal.
mæn	hæmrahe	reza	mirævæm	be	šomal

«من همراه رضا رفتم به شمال.»

۳. خوشه‌ی قیاس

«قیاس» خوشه‌ای معنایی هست که دارای سه مفهوم و معنای مجزاست. در این خوشه



معنایی، حرف اضافه /wægærd/ نشانگر رابطه‌ی تقابل میان دو چیز یا کس که یکی در واقع همان شیء متحرک و دیگری زمینه ثابت می‌باشد. در این رابطه، آن دو باهم مورد مقایسه قرار می‌گیرند. معانی زیر، گویای کاربردهای مختلف معنایی این حرف اضافه در معنای قیاس و سنجش می‌باشد.

۳. الف. مفهوم مقایسه‌ای

در اینجا حرف اضافه‌ی /wægærd/ چیزی یا کسی را با دیگری مورد ارزیابی و سنجش قرار می‌دهد. به عبارتی، شیء متحرک در یک ویژگی خاصی با زمینه ثابت ارزیابی و سنجیده می‌شود. این معنای /wægærd/ را در مثال‌های زیر می‌توان مشاهده کرد.

65. sæwad-e men wægærd ?æwæ ?i:ra ta ?aseman -æ.
sævade mæn dær moqajese (ba savad) ?u: ?indga ta ?aseman ?æst

«سواد من در مقایسه با سواد او خیلی بیشتر است.»

۳. ب. مفهوم معاوضه‌ای

مفهوم «تعویض کردن» از دیگر مفاهیمی است که می‌توان از /wægærd/ برداشت کرد. در این معنا، چیزی با چیز دیگر معاوضه می‌شود. این معنا را از مثال زیر می‌توان فهمید.

66. mašin-ægæ wægærd mali-g sær wæ sær kerdəm.
mašin- ra ?ævaz xaneh-ee ba kærdæm

«ماشین را با خانه‌ای عوض کردم.»

۳. ج. مفهوم مقابله‌ای

مفهوم «مقابله‌ای» از دیگر مفاهیمی به شمار می‌رود که نوعی تقابل و رویارویی میان دو کس یا دو چیز را نشان می‌دهد. این رویارویی و تقابل را به‌وضوح می‌توان در نمونه‌های زیر مشاهده کرد.

67. men wægærd ?i: pe-ja moškəl di:rəm.
mæn ba ?i:n mærd moškel darəm

«من با این مرد مشکل دارم.»

68. men wægærd to ?aweman wæ jæj dzu: nejæču:
mæn væ to ba hæm tæfahom nædarim

«من و تو باهم تفاهم نداریم.»

69. Jæwad wægærd tona mejan-æj xas nej-æ.

Jævad ba to mejana-j-e xubi nædare

«جواد با تو میانه‌ی خوبی نداره.»

۴. خوشه‌ی استعاری

حرف اضافه /wægærd/ مفهومی را می‌رساند که از حوزه عینیت خارج است و با حوزه‌های انتزاعی ارتباط دارد، بنابراین گویشوران این حرف اضافه را در کردی کلهری در خوشه‌ی استعاری شبکه‌های معنایی به کار می‌برند.

۴. الف. مفهوم راجع به، درباره‌ی

حرف اضافه‌ی /wægærd/ در معنا و مفهوم «درباره‌ی، راجع به» و امثال آن نیز به کار گرفته می‌شود. مثال زیر مؤید این مطلب است.

70. wægærd ?emtan-æjl-ed če xæwær?
radže? be ?emtæhan-ha-j-æt če xæbær?

«راجع به امتحانات چه خبر؟»

۴. ب. مفهوم منظور، هدف

/wægærd/ در معنا و مفهومی که منظور و هدفی را بخواهد بیان کند نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد. مثال‌های زیر این مطلب را نشان می‌دهند.

71. wægærd-e mæn-i?
mænzuret mæn-æm?

«منظور شما من هستم؟»

72. wægærd-e tonem.
mænzur-æm to hæsti

«منظور من تو هستی.»

۴. ج. مفهوم انجام عمل

یکی دیگر از مفاهیمی که از این حرف اضافه برداشت می‌شود، معنای «انجام دادن کار یا عملی» می‌باشد که گویشوران از آن در جملات خود استفاده می‌کنند. مثال‌های زیر دلیلی بر این ادعا می‌باشند.

73. wægærd ?i: kar-æ xow-æm bædbæxt kerdəm.
ba ?ændgame ?i:n kar xod-æm ra bičare kærdæm

«با انجام این کار خودم را بیچاره کردم.»

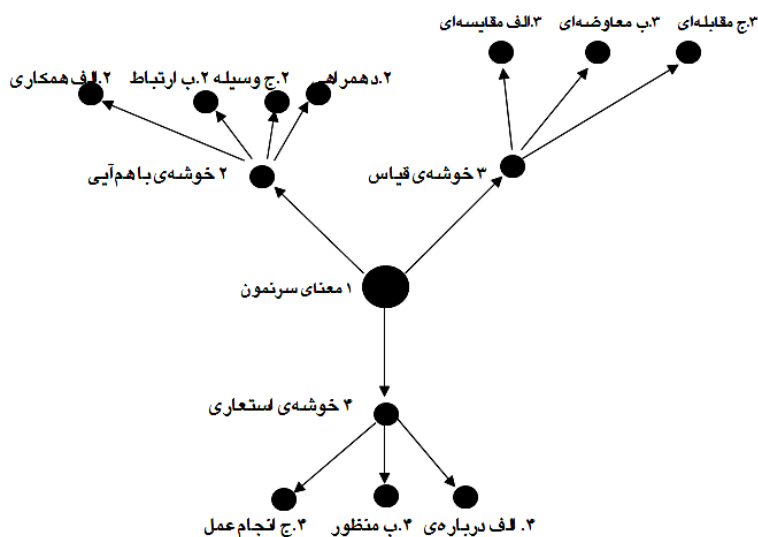
74. wægærd ʔi: mæʔaməl-æ xow-æj xesæ hæčæɪ.
 ba ʔændʒame ʔi:n mæʔamele xod-æš ra ʔændaxt be sæxti
 «با/انجام این معامله خودش را به‌سختی انداخت.»

75. wægærd ʔi: kar-æ fateh-æj xowæn-jas.
 ba ʔændʒame ʔi:n kar fatehe-æš xandæs

«با/انجام این کار، فاتحه‌اش خوانده س.»

۱.۳.۵. شبکه معنایی معنای مختلف حرف اضافه‌ی /wægærd/

با توجه به معانی به‌دست‌آمده‌ی حرف اضافه‌ی /wægærd/ مشخص شد که این حرف اضافه دارای ده معنای متمایز، «همراهی»، «کمک و همکاری»، «ارتباط»، «وسیله و ابزار»، «مقایسه‌ای»، «معاوضه‌ای»، «مقابله‌ای»، «راجع به»، «منظور و هدف» و «انجام عمل» می‌باشد و از سه خوشه‌ی معنایی «با هم‌آیی»، «قیاس» و «استعاری» تشکیل شده است. پس از واکاوی این حرف اضافه در کردی کلهری، شبکه‌ی معنایی زیر به دست داده شد.



شکل ۵. شبکه معنایی حرف اضافه‌ی /wægærd/ در کردی (گویش کلهری)

۴.۵. معانی مجزای حرف اضافه‌ی /wæpi/

/wæpi/ یکی از حروف اضافه‌ی مورد استفاده در گویش کردی کلهری است که گویشوران از آن در بافت‌های مختلف و با معانی متفاوت و مرتبط باهم استفاده می‌کنند. تفاوتی ویژه‌ای که /wæpi/ با دیگر حروف اضافه دارد، این است که شناسه‌های فاعلی (همچون -i, -d, -m و غیره) را حتماً باید با خود همراه داشته باشد. به منظور بررسی چندمعنایی این حرف اضافه، در ذیل به تحلیل و واکاوی همه‌ی معناهای متفاوتی که گویشوران از آن در بافت‌های مختلف برداشت می‌کنند می‌پردازیم.

۱. معنای سرنمون

۱.الف. مفهوم «به»

نخستین معنایی که از بیان /wæpi/ در ذهن هر گویشور کردی کلهری نقش می‌بندد، مفهوم «به» می‌باشد و از آن به‌عنوان مفهوم اولیه‌ای یاد می‌کنند که همه‌ی معانی دیگر و غیر مرکزی آن را نیز در برمی‌گیرد، و این معنای سرنمون به‌گونه‌ای همه‌ی ویژگی‌های معانی دیگر را با خود حمل می‌کند. مثال‌های زیر تأییدی بر این ادعا می‌باشند.

76. ketaw-æɣæ wæpi dam-æ.
ketab-ra be-ʔu dade-h-æm

«من کتاب را بهش (به او) دادم.»

در مثال بالا، /wæpi/ در حالت سوم شخص مفرد فاقد شناسه می‌باشد.

77. wæpi -m wet.
be -mæn goft

«به من گفت.»

78. wæpi -d ʔu:šəm.
be -šoma xahæm goft

«به شما خواهم گفت.»

۲. خوشه‌ی مقابله‌ای

مفهوم «مقابله‌ای» از جمله مفاهیمی به‌حساب می‌آید که نوعی رویارویی و تقابل میان دو کس یا دو چیز را نشان می‌دهد. /wæpi/ با داشتن معانی متفاوتی همچون «دعوا»، «بدی» و «بلا» در بافت‌های مختلف، تداعی‌گر این مفهوم است. مثال‌های زیر تأکیدی بر معنای تقابلی آن



می‌باشد.

۲. الف. مفهوم دعوا

/wæpi/ با فعل "کردن" /kærdən/ در معنا و مفهومی به کار می‌رود که نوعی تقابل و رویارویی با فردی را به حالت جنگ و دعوا نشان می‌دهد. این رویارویی را می‌توان در مثال‌ها و نمونه‌هایی که در زیر آمده، مشاهده کرد.

79. ta dɛləm towas wæpi kærdəm.
ta dɛləm xast dæʔvaš kærdəm

«تا جایی که توانستم، باهاش دعوا کردم.»

80. baʃæ! wæpi-m bəkæ.
baʃe! dæʔv-am bokon

«باشه! باهام دعوا کن.»

۲. ب. مفهوم بدی و ظلم

یکی دیگر از مفاهیمی که /wæpi/ در خود نهفته دارد، زمانی آشکار می‌شود که گویشوران این حرف اضافه را همراه با فعل "کردن" /kærdən/ و ضمیر پرسشی "چه" /čæ/ در جملات پرسشی به کار می‌برند. مثال‌های زیر مؤید این مطلب هستند.

81. mæʃæ mən čæ wæpi-d kærdəm?
mæʃær mæn če bædi- be šoma kærdəm?

«مگر من چه بدی‌ای در حق تو کردم؟»

82. mæʃæ mən čæ wæpi-jan kærdəm-æ?
mæʃær mæn če bædi-be ʔanha kærdeh-æm?

«مگر من چه بدی‌ای به آن‌ها کرده‌ام؟»

۲. ج. مفهوم بلا و مصیبت

مفهوم دیگری که حرف اضافه‌ی /wæpi/ با خود حمل می‌کند، زمانی است که گویشوران، آن را همراه با فعل "کردن" /kærdən/ و ضمیر تعجبی "چه" /čæ/ در جملات تعجبی به کار می‌برند. نمونه‌های زیر تأکیدی بر این ادعا می‌باشد.

83. čæ wæpi-m hat!
če bælae- be særæm ʔamæd!

«چه بلایی به سرم آمد!»

84. waj čæ wæpi-m kərdi!
 vaj če bælaee- be səræm ʔavərđi!

«وای چه بلایی به سرم آوردی!»

۳. مفهوم در مورد، راجع به

از دیگر مفاهیمی که /wæpi/ با خود به همراه دارد و در برخی بافت‌ها، آن معنا از آن استنباط می‌شود، مفهوم «در مورد و راجع به» می‌باشد که با کمی دقت در نمونه‌های زیر می‌توان صحت این ادعا را ثابت نمود.

85. wæpi-ja wətəm.
 dær mowred-æš goftəm

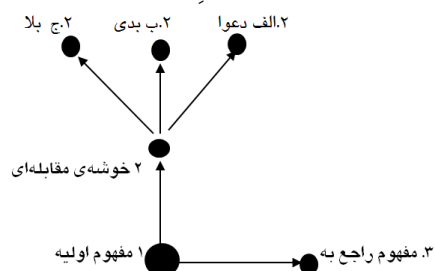
«در موردش گفتم.»

86. wæpi-da ʔu:šəm.
 dær mowrede-šoma xahəm goft

«در مورد شما خواهم گفتم.»

۱.۴.۵. شبکه معنایی معناهای مختلف حرف اضافه‌ی /wæpi/

با توجه به معانی به دست آمده‌ی حرف اضافه‌ی /wæpi/ مشخص شد که این حرف اضافه با معنای سرنمون «به»، دارای پنج معنای متمایز، «به»، «دعوا»، «بلا»، «بدی» و «درباره‌ی، راجع به» می‌باشد و از دو خوشه‌ی معنایی «مقابله‌ای» و «درباره‌ی» تشکیل شده است. پس از واکاوی این حرف اضافه در کردی کلهری، شبکه‌ی معنایی زیر به دست داده شد.



شکل ۶. شبکه‌ی معنایی حرف اضافه‌ی /wæpi/ در کردی کلهری



۶. نتیجه‌گیری

تمرکز اصلی این مقاله بر حروف اضافه در گویش کلهری کردی می‌باشد. در انجام این پژوهش، پس از واکاوی معنایی مجزای برخی حروف اضافه و بر اساس رویکرد چما (ایوانز و تایلر، ۲۰۰۴a، ۲۰۰۴b؛ ایوانز و گرین، ۲۰۰۶) در معنی‌شناسی شناختی مشخص شد که معنای سرنمون /læ/ و /wæ/، که در برخی موارد به جای هم با معنای یکسان و کاربرد یکسان مورد استفاده قرار می‌گیرند، «از» می‌باشد که در شبکه‌ی معنایی آن هجده معنای متمایز و پنج خوشه‌ی معنایی وجود دارد، با این تفاوت که /wæ/ علاوه بر این هجده معنای متمایز، در دو معنای متمایز دیگر به کار می‌رود که /læ/ نمی‌تواند در آن جایگاه‌ها به کار رود. از این رو معنای سرنمون /wæ/ «از» بوده و در شبکه‌ی معنایی آن بیست معنای مجزا به دست آمده است. معنای سرنمون /wægærd/ «با» می‌باشد که در شبکه‌ی معنایی آن یازده معنای متمایز و سه خوشه‌ی معنایی وجود دارد. همچنین حرف اضافه‌ی /wæpi/ دارای معنای سرنمون «به» می‌باشد که دارای پنج معنای متمایز و دو خوشه‌ی معنایی است. در همین راستا، می‌توان گفت که پژوهش‌هایی از این دست می‌تواند در تسریع امر آموزش واژگان و از جمله آموزش معنایی حروف اضافه که در بافت‌های مختلف دارای معنای متفاوت و مرتبط باهم هستند، برای زبان‌آموزان مفید و مثر ثمر واقع شود.

۷. پی‌نوشت‌ها

1. the principled polysemy approach
۲. نویسنده با استفاده از سرواژه‌های به‌کاررفته در این نظریه واژه‌ی جدید "چما" را به دست داده است.
- ³ R.Langaker
- ⁴ G. Lackoff
- ⁵ M. Johnson
6. V.Evans & M. Green
7. prototype
8. image schemas
9. categorization
10. L. Wittgenstein
11. peripheral meaning
12. trajector
13. landmark
14. argument

- 15. motivation
- 16. contrast cluster
- 17. collocation cluster
- 18. polysemy cluster
- 19. metaphoric cluster

۸. منابع

- بامشادی، پارسا؛ بامشادی، جواد؛ انصاریان، شادی (۱۳۹۵). بررسی معنایی سه حرف اضافه *æra ta wæa* در کردی گورانی از دیدگاه شناختی. دوماهنامه جستارهای زبانی. صص. ۵۹-۸۰
- راسخ‌مهند، محمد (۱۳۸۹). درآمدی بر زبان‌شناسی شناختی: نظریه‌ها و مفاهیم. تهران: سمت
- زاهدی، کیوان؛ محمدی زیارتی، عاطفه (۱۳۹۰). شبکه معنایی حرف اضافه فارسی «از» در چارچوب معنی‌شناسی شناختی. تازه‌های علوم شناختی. صص. ۶۷-۸۰
- گلغام، ارسلان؛ یوسفی راد، فاطمه (۱۳۸۸). رویکرد معناشناسی شناختی به حروف اضافه مکانی زبان فارسی از منظر آموزشی، مطالعه موردی: حرف اضافه در. پژوهش زبان‌های خارجی (ویژه‌نامه انگلیسی)
- گلغام، ارسلان؛ عاصی، مصطفی؛ آقا گل زاده، فردوس؛ یوسفی راد، فاطمه (۱۳۸۸). بررسی حرف اضافه (از) در چارچوب معناشناسی شناختی و مقایسه آن با رویکرد سنتی. مجله ی زبان و زبان‌شناسی. پاییز و زمستان دوره ی ۵، ش. ۱۰
- یوسفی راد، فاطمه (۱۳۸۷). بررسی حروف اضافه زبان فارسی در چارچوب معناشناسی شناختی با نگاه ویژه به حروف اضافه‌ی مکانی. رساله دکتری. دانشگاه تربیت مدرس. پاییز ۱۳۸۷

References

- Evans, V. & A. Tyler (2004). *Spatial experience, lexical structure and motivation: the case of in*. In G. Radden and K. Panther (eds.). *Studies in Linguistic Motivation*. Pp. 157–192. Berlin: Mouton de Gruyter
- Evans, V. & M. Green (2006). *An introduction to Cognitive Linguistics*. Edinburgh: Edinburgh University Press
- Evans, V. & A. Tyler (2004a). “Rethinking English prepositions of movement: The case of To and Through”. *Belgian Journal of Linguistics*. 18. Pp. 247–270.



- Evans, V. & A. Tyler (2004b). “Spatial experience, lexical structure and motivation: the case of in”. In G. Radden and K. Panther (eds.). *Studies in Linguistic Motivation*. Pp. 157–192. Berlin: Mouton de Gruyter,.
- Lakoff, G. and Johnson, M. (1980). *Metaphors we Live by*. Chicago: University of Chicago Press.
- Langacker, R.W. (1987). *Foundations of Cognitive Grammar (Volume 1)*. Stanford: Stanford University Press
- Langacker, R.W. (2008). *Cognitive Grammar: A Basic Introduction*. Oxford: Oxford University Press
- Talmy, L. (2000). *Toward a Cognitive Semantics (2 vols)*. Cambridge, MA: MIT Press
- Tyler, A. & V. Evans (2001). *Reconsidering prepositional polysemy networks: The case of over*. In V. Evans, B. Bergen, and J. Zinken (Eds.), *The Cognitive Linguistics Reader*. Pp. 186-238. London: Equinox.
- Tyler, A. & V. Evans (2003). *The Semantics of English Prepositions: Spatial Scenes, Embodied Meaning and Cognition*. Cambridge: Cambridge University Press
- Zahedi, K. & A. Mohammadi Ziyarati (2011). *Semantic network of preposition az within the framework of cognitive semantics*. *Tazehha-ye Olum-e Shenakhti*. 13 (1). Pp. 67-80. [In Persian]
- Wittgenstein, Ludwig (1958), *Philosophische Untersuchungen*, trans.G. E. M. Anscombe as *Philosophical Investigations*, 3rd ed. 1999. Harlow, London: Prentice Hall

Polysemic Analysis of the Preposition /læ/, /wæ/, /wægærd / and /wæpi/ in Kurdish within Principled- Polysemy Approach

Abstract

Looking at the attitude of semantics, the present study aims to investigate some of the most practical prepositions, such as /læ/, /wæ/, /wægærd / and /wæpi/ in Kurdish (Kalhori dialect) within principled-polysemy approach (Evans & Tyler, 2004a, 2004b; Evans & Green, 2006). The nature of the method of this study is analytic-descriptive and its type is corpus-based. The Selected corpus has been obtained from interviews with the speakers of this dialect from Kurdish language, and their originality have been approved completely that this study has focused on some samples for each distinct meaning due to the limitation of its pages. To explore and determine the distinct meanings of these prepositions, the author has represented them in a semantic network separately. In this regard, the research results show that the prototypical meaning of the preposition /læ/ coming to the speakers' mind immediately is 'from' having eighteen distinct meanings and five semantic clusters in its own semantic network. with conducted careful studies, it was found that, in some cases, Kalhori speakers use the preposition /læ/ in the place of /wæ/ in those contexts with those meanings interchangeably, but in addition to these meanings the preposition /wæ/ is used in two other different meanings in which the preposition /læ/ can't be used. So, the prototypical meaning of the preposition /wæ/ is 'from' which has twenty distinct meanings in its own semantic network. The prototypical meaning of the preposition /wægærd/ is 'with' having eleven distinct meanings and three semantic clusters in its own semantic network. The prototypical meaning of the preposition /wæpi/ is 'to' having five distinct meanings and two semantic clusters in its own semantic network.

keywords: preposition, Kalhori Kurdish, cognitive semantics, semantic network, principled-polysemy approach